

سرمقاله

مردم فقیر، دولت فربه و اقتصاد فاسد

حفیظ الله ذکی

در کنار تروریسم و مواد مخدر، فساد اداری و بروکراسی طولانی در افغانستان، ساختار دولت را معیوب ساخته و از کارکرد مفید آن به میزان زیادی کاسته است. پس از خروج نیروهای خارجی و کم شدن حجم کمک های بیرونی به افغانستان، این مردم بار دگر در جنگال بیرحم فقر و بیکاری گرفتار گردیده و بر لشکر بیکاران در کشور بیکاره افزوده شده است. در حال حاضر این کشور با انبوهی از مردم بیکار، فقیر و گرسنه روبرو می باشد که بخاطر نجات جان خود خطر مهاجرت به کشورهای خارجی را بر ماندن در کشور ترجیح می دهند.

امروز افغانستان دارای پایین سطح تولید ناخالص داخلی و دارای کمترین عاید سرانه می باشد که صد کمی از بودجه ملی را تأمین می کند. در این کشور بیشتر از دو میلیون نفر در زیر خط فقر به سر می برند که قادر به تهیه مواد اولیه و اساسی زندگی خود نیستند.

با این هم افغانستان دارای یک دولت فریبه و کارمندان زیاد می باشد که سالانه حجم بزرگی از بودجه به حقوق، معاشات و امتیازات کارمندان دولت اختصاص می یابد. در افغانستان بر مبنای قانون اساسی، اقتصاد بازار و یا اقتصاد رقابتی حاکم است؛ اما در طی چهارده سال هیچگاه رقابتی در عرصه اقتصادی موجود نبوده و انحصار واردات و صادرات کالاها و گرفتن پروژه های نان و آب دار تنها به بخش کوچکی از تاجران، که اغلب با مقامات عالی رتبه دولتی نسبت فامیلی و خویشاوندی داشته اند، اختصاص پیدا کرده و دیگران از این حق کاملا محروم نگه داشته شده اند.

به علاوه ضعف قوانین و رقابت های تنگناگین قدرتمندان بر سر منابع مادی از یک طرف دولت را بیش از حد فریه و بزرگ ساخته و بر طول و عرض آن افزوده است و از سوی دیگر پرداخت معاشات و امتیازات آنها خرج سنگینی را بر بودجه ملی تحمیل کرده است. بدون شک دولت نقش عمده در فساد مالی دارد، به هر میزانی که دولت بزرگ شود، فساد، رشوه و رانت خواری نیز افزوده می گردد. به همین خاطر وقتی حکومت هر روز به پنهان های مختلف کمیسبیونی را ایجاد می کند و نهادهای جدیدی را بدون این که به وجودشان نیاز باشند، تأسیس می کند، در واقع به ریشه دار شدن فساد و بروکراسی در کشور کمک می کند و میزان بیشتری از سرمایه های ملی را بر باد می دهد. امروز از یک سو سرمایه های این مردم توسط دولتمردان بلعیده می شود و از سوی دیگر موانعی از سوی کارمندان دولت بر سر راه توسعه، مبارزه با فساد و فقر گذاشته می شود.

روند غیر قانونی و ناسالم استخدام دولتی و حاکم شدن فرهنگ قانون گریزی و رانت خواری در کشور مسیر هر نوع پیشرفت در زمینه های اداری و اقتصادی و سیاسی را بر روی مردم بسته است. امروز حکومت با کمیسبیون بازی ها و تأسیس نهادهای ناکارآمد و بر مصرف می خواهد دامنه دولت را برای جلب رضایت افراد زورمند، گسترده سازد و این امر در حقیقت دولت دیگری را در سایه دولت قانونی به وجود می آورد که در شرایط حساس، مشکلات زیادی را در روند تصمیم گیری ها و اجرای سیاست های کلان ملی به وجود آورده می توانند. اگر به نمونه های اخیر تصمیم حکومت توجه شود، ایجاد واحد مستقل بودجی برای رییس جمهور پیشین و تشکیل شورای عالی جهادی، جز این که فشار مضاعفی را بر بودجه ملی تحمیل سازد و مشکلات بیشتری را در کارایی حکومت ایجاد کند، هیچ فایده و ثمره دیگری ندارد. حکومت در شرایط اضطراری کنونی، که شهروندان به فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می کنند، بایستی به کوچکتر کردن و مؤثریت دولت بیایند، نه به فریه تر کردن آن. دولت فریه سبب ناکارآمدی ادارات دولتی و ناکامی سیاست های توسعهی در کشور خواهدشد. دولت فریه نمی تواند از اقتصاد و دارایی ملی محافظت کند و سطح فقر و بیکاری در کشور را کاهش دهد. دولت فریه هم فساد مالی را افزایش می دهد و هم توسعه اقتصادی را با موانع مواجه می سازد.

فقر چیست و چگونه می توان با آن مبارزه کرد؟

موثر خواهد بود. ارائه خدمات بهداشتی، مسکن و با ارائه مواد غذایی راه حل معقولی برای حل مشکل فقر نیست، اما این تلاش ها می تواند بسیاری از نیازهای این دسته از افراد را رفع کند.

کنترل فقر در کشورهای توسعه یافته کشورها توسعه یافته نیز در مقیاس بزرگی با فقر گلاویز هستند. یک نمونه از افزایش فقر در این مناطق، افزایش اتکا مردم به غذاهای دولتی به منظور ماندن در بالای خط فقر است. رکود اقتصادی جهانی سبب افزایش تقاضا برای برنامه های رفاهی شده است که این امر سبب تغییرات اساسی در برنامه های اقتصادی کشورها و ارائه کوپن غذایی و ایجاد برنامه کمک هزینه تغذیه تکمیلی شده است.

این برنامه علاوه بر نیاز شدید به بهره وری بیشتر کشورها، منجر به تغییراتی نیز شده است و اکنون این برنامه اقتصادی بزرگترین برنامه در نوع خود در کشورهای توسعه یافته محسوب می شود. از سال ۲۰۰۸، ارائه کوپن برای تأمین هزینه تغذیه شهروندان در کشورها توسعه یافته به صورت الکترونیکی درآمده است و با ارائه کارت هایی مشابه کارت بانکی و شارژ ماهانه آن بر اساس وضعیت کاربر (تعداد افراد تحت تکفل، درآمد کل فرد، هزینه های خانواده و غیره) انجام می شود و هنگام خرید مانند عابری بانک ها عمل می کند و هزینه تغذیه افراد از آن کاسته می شود. این سیستم دور از وضعیت ایده آل است، اما همین روش توانسته میلیون ها آمریکایی را بالای خط فقر نگاه دارد. امید است که در آینده نزدیک و با تلاش بیکارچه تمام کشورها، در یک جهان ایده آل، نیازی به ارائه بارانه مواد غذایی وجود نداشته باشد و تنها مشکل اساسی حل مشکل نبود تکنولوژی در کشورهای فقیر جهان برای ارائه این سیستم های پیشرفته بر مبنای تکنولوژی باشد که آن نیز با کمی سعی قابل حل شدن خواهد بود. منبع: انترنت



۴۹۱ دلار است، در حالی که همین خط در سوئیس برابر با ۱۰۲۵ دلار است.

چگونه می توان با فقر در سطح بین المللی مقابله کرد؟
مقابله با فقر از مباحث مهم و بر تکرار محافل سیاسی است. برخی از کشورها به دنبال راه حلی برای ریشه کن کردن فقر به طور کامل، با تغییر در شرایط ایجاد آن هستند. در سوی دیگر، سایر کشورها سعی در حذف سیستم هایی که ایجادکننده نابرابری در جامعه هستند، مانند عابری بانک ها عمل می کنند و هزینه تغذیه افراد از آن کاسته می شود. این سیستم دور از وضعیت ایده آل است، اما همین روش توانسته میلیون ها آمریکایی را بالای خط فقر نگاه دارد. امید است که در آینده نزدیک و با تلاش بیکارچه تمام کشورها، در یک جهان ایده آل، نیازی به ارائه بارانه مواد غذایی وجود نداشته باشد و تنها مشکل اساسی حل مشکل نبود تکنولوژی در کشورهای فقیر جهان برای ارائه این سیستم های پیشرفته بر مبنای تکنولوژی باشد که آن نیز با کمی سعی قابل حل شدن خواهد بود.

منبع: انترنت

خواسته ها و نیازها است. خط فقر تعیین این دسته از معیارهای اندازه گیری، در ابتدا نیازمند در نظر گرفتن مکان جغرافیایی خاص است که بر پایه آن بتوان قیمت نیازهای اساسی را تعیین کرد. برای مثال برای تعریف خط فقر، اقتصاددان ها باید هزینه میانگین خرید روزانه مقدار معینی کالری که فرد در منطقه جغرافیایی خاص بدان نیاز دارد، تعیین کنند.

با این وجود که هر دو گروه افراد تعریف شده در بالا فقیر محسوب می شوند، اما گروه دوم که در وضعیت بدتری هستند در اصطلاح «فقر مطلق» به سر می برند و افراد این دسته از تهیه نیازهای اساسی خود مانند غذا، پوشاک، مسکن و غیره ناتوانند. بنا به گزارش بانک جهانی، با وجود اینکه فقر در جهان به آرامی در حال فروکش کردن می باشد، اما تعداد افرادی که با درآمد زیر یک دلار در جهان زندگی می کنند در سال ۲۰۱۵، نزدیک به یک میلیارد نفر خواهد بود. فقر به معنی نداشتن بودجه نیست، بلکه به معنی نداشتن امکان تهیه کردن

یا فرصت برای به دست آوردن آن منابع مالی تعریف کرد. بنا به این تعریف، کسی که دو سانس کار می کند تا بتواند هزینه مواد غذایی و اجاره خود را پرداخت کند و کسی که در کشوری دیگر به دلیل دستمزد پایین گرسنه می ماند هر دو از نظر توصیفی فقیر محسوب می شوند و آن هم به دلیل عدم توانایی در انجام آزادانه کارهای مورد نظر می باشد.

با این وجود که هر دو گروه افراد تعریف شده در بالا فقیر محسوب می شوند، اما گروه دوم که در وضعیت بدتری هستند در اصطلاح «فقر مطلق» به سر می برند و افراد این دسته از تهیه نیازهای اساسی خود مانند غذا، پوشاک، مسکن و غیره ناتوانند. بنا به گزارش بانک جهانی، با وجود اینکه فقر در جهان به آرامی در حال فروکش کردن می باشد، اما تعداد افرادی که با درآمد زیر یک دلار در جهان زندگی می کنند در سال ۲۰۱۵، نزدیک به یک میلیارد نفر خواهد بود. فقر به معنی نداشتن بودجه نیست، بلکه به معنی نداشتن امکان تهیه کردن

توسعه اقتصادی

شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حساب های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می آید. د. شاخص های ترکیبی توسعه: از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک گراناهان (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۲ زیرشاخص) محاسبه می نمود، اشاره کرد (بعد، شاخص توسعه انسانی معرفی گردید).



و. شاخص توسعه انسانی (HDI): این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که بر اساس این شاخص ها محاسبه می گردد: درآمد سرانه واقعی (بر اساس روش شاخص برای خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد)، و بساوی بزرگسالان و میانگین سال های به مدرسه رفتن افراد است).

منظور است. شاخص های توسعه اقتصادی از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می توان این موارد را برشمرد
الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم داخلی به جمعیت آن، درآمد ناخالص بدست می آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً به سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دالر در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دالر.

در اقتصاد. "توسعه اقتصادی" عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. علاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهادهای نیز در فرآیند تولید تغییر می کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد

مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه یافته) و کشورهای عقب مانده (یا توسعه نیافته).

توسعه اقتصادی چیست باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنظر به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت ها (بخاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه ای را نیز از آن کسر نمود منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهادهای (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت های احتمالی خالی

مندرظرت است. شاخص های توسعه اقتصادی از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی می توان این موارد را برشمرد
الف. شاخص درآمد سرانه: از تقسیم داخلی به جمعیت آن، درآمد ناخالص بدست می آید. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً به سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰ دالر در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دالر.
ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP): از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت های محلی کشورها محاسبه می گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد.
ج. شاخص درآمد پایدار (GNA, SSI): افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

